



Analysis of U.S. Intervention Patterns in Iran's Economic Sectors Using the BABOK Framework: Mechanisms, Effects, and Solutions

Seyyed Hamzeh Safavi ¹ | Saeid Ansarzadeh ² | Mohammadreza Mohammadi³ | Alireza Samoudi⁴

Vol. 3
Autumn 2023

DOR:

Research Paper

Received:
17 March 2024
Revised:
28 August 2024
Accepted:
28 August 2024
Published:
28 August 2024
P.P: 115-152

ISSN: 2821-0247
E-ISSN: 2783-4743



Abstract

Historically, the concept of intervention has been a significant tool of foreign policy for global powers, used to advance their objectives and secure their interests. Intervention encompasses both overt and covert efforts aimed at altering, replacing, or sustaining foreign governments. These efforts span a wide range of political, economic, security, military, and technological actions. The process of such interventions peaked after World War II, as the United States emerged as a global superpower competing with the Soviet Union. Following the Soviet Union's collapse, these interventions evolved to new levels to solidify U.S. hegemony. This article aims to address the question: How have U.S. intervention patterns in Iran's economic sectors manifested? Assuming that modern intervention approaches have increasingly centered on economic issues, this research analyzes the mechanisms, effects, and existing strategies in this context using the BABOK framework. Due to the existing challenges in banking systems and the lack of effective integration between business operations and existing information systems, decision-making processes within banks face significant hurdles. The BABOK standard seeks to bridge the gap between business and data systems, organizing decision-making processes based on a proper understanding of the banking environment and conditions—something currently heavily dependent on the expertise and experience of managers. The findings indicate that the U.S. employs three main intervention strategies against Iran: direct sanctions on economic sectors, indirect limitations on economic sectors, and direct attacks, sabotage, and hacking of economic infrastructure.

Keywords: United States, Iran, Intervention, Economy, BABOK Framework.

1. Corresponding Author: M Assistant Professor, Department of Regional Studies, University of Tehran, Tehran, Iran. hamzehsafavi@gmail.com
2. M.A. in Economics, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
3. Ph.D. Candidate in International Relations, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.
4. Assistant Professor, Strategic Studies Research Institute, Tehran, Iran.

Cite this Paper: Safavi' H & Ansarzadeh' S, Mohammadi'M, Samoudi'A . Analysis of U.S. Intervention Patterns in Iran's Economic Sectors Using the BABOK Framework: Mechanisms, Effects, and Solutions. American strategic studies, 11(3), 115–152.





تحلیل الگوهای مداخله آمریکا در بخش‌های اقتصادی ایران با استفاده از ابزار بابوک؛ مکانیزم‌ها، اثرات و راه‌های برون رفت

سیدحمزه صفوی^۱ | سعید انصارزاده^۲ | محمدرضا محمدی^۳ | علیرضا ثمودی^۴ ID

چکیده

با نگاهی تاریخی، مفهوم مداخله به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم سیاست خارجی قدرت‌های جهانی، در راستای پیشبرد اهداف و دستیابی به منافع مطرح بوده است. مداخله شامل تلاش‌های علنی و مخفیانه با هدف تغییر، جایگزینی یا حفظ دولت‌های خارجی می‌شود. این تلاش‌ها، طیف گسترده و متنوعی از اقدامات سیاسی، اقتصادی، امنیتی، نظامی و تکنولوژیک را در بر می‌گیرد. فرآیند این مداخلات پس از جنگ دوم جهانی و قرار گرفتن ایالات متحده به‌عنوان یکی از قطب‌های جهان در رقابت با شوروی به اوج رسید و پس از فروپاشی شوروی، در سطوح جدیدی در راستای تثبیت هژمونی آمریکا نمایان شد. این مقاله در تلاش است تا با فرض این‌که رویکردهای نوین مداخله، بیشتر بر اساس مباحث اقتصادی شکل گرفته، به این سؤال پاسخ دهد که الگوهای مداخله آمریکا در بخش‌های اقتصادی ایران چگونه بوده است؟ پژوهش با مطالعه مکانیسم بابوک، در نهایت به تحلیل سازوکار، تأثیرات و رویکردهای موجود در این زمینه می‌پردازد. به واسطه سطح سامانه‌های موجود بانک و عدم وجود ارتباط مؤثر بین کسب و کار و سامانه‌های اطلاعاتی موجود؛ نظام تصمیم‌سازی در بانک با چالش بسیار روبرو است. استاندارد بابوک با برقراری ارتباط بین کسب و کار و نظام دیتا تلاش دارد نظام تصمیم‌سازی را به‌گونه‌ای سازمان‌دهی نماید که تصمیمات بر اساس درک درست از محیط و شرایط بانک صورت پذیرد. اتفاقی که هم اکنون به‌طور کامل وابسته به سطح نخبگی و تجربه مدیران است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که سه شیوه کلی مداخله ایالات متحده آمریکا بر ایران شامل تحریم‌های مستقیم بخش‌های اقتصادی، محدودسازی غیرمستقیم بخش‌های اقتصادی و صدمه مستقیم، خرابکاری و هک زیرساخت‌های اقتصادی است.

کلیدواژه‌ها: آمریکا، ایران، مداخله، اقتصاد، ابزار بابوک.

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۶/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۰۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۶/۰۷

صص: ۱۱۵-۱۵۲

شماره چاپی: ۲۸۲۱-۰۲۴۷

الکترونیکی: ۲۷۸۳-۴۷۴۳



hamzehsafavi@gmail.com

۱. نویسنده مسئول: استادیار گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۳. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

۴. استادیار پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، ایران

استناد: صفوی، سیدحمزه؛ انصارزاده، سعید؛ محمدرضا، محمدی؛ ثمودی، علیرضا. تحلیل الگوهای مداخله آمریکا در

بخش‌های اقتصادی ایران با استفاده از ابزار بابوک؛ ... ، (۳)۱۱، ۱۵۲-۱۱۵.

نویسندگان ©

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)



این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

با وجود شکل‌گیری اولیه سیاست خارجی آمریکا بر اساس انزوای سیاسی و همچنین مشکلات داخلی در دو دهه اول قرن بیستم، این کشور تا پایان جنگ جهانی اول در عرصه بین‌المللی حضور جدی پیدا نکرد و توجه سیاست خارجی آن بیشتر به حوزه آمریکای مرکزی و جنوبی معطوف بود (Ambrose, 1983: 173). پس از پایان جنگ جهانی دوم، ایالات متحده به‌عنوان قدرت هژمونیک جهانی همواره کوشیده است با تکیه بر توان خود در عرصه‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، نظم مطلوب خود را در نقاط مختلف جهان برقرار کند (Islamic Revolution Document, Center, 1999: 170). از دیگر سو در دنیای پر رقابت امروز قدرت‌های زیادی روبروی یک‌دیگر ایستاده‌اند و هر یک در پی منافع ملی یا حاکمیتی خود هستند، در این نبرد که سال‌های متمادی در جریان است بعضاً برای مدت‌ها حتی یک گلوله نیز شلیک نمی‌شود، نبردهای امروز یا از نظر جغرافیایی، حیطه جغرافیایی کشورهای بزرگ را شامل نمی‌شوند و در فضای جغرافیایی کشوری ثالث نبرد به صورت مستقیم و یا نیابتی در جریان است و یا زمین بازی به جای میدان‌های سنتی نبرد به سایر بخش‌ها کشیده می‌شود، عمده‌ترین زمین بازی در نبردهای امروز بخش اقتصاد است، تمرکز بر حوزه‌های اقتصادی قدرت‌ها را قادر خواهد ساخت بدون صرف هزینه‌های مالی و انسانی خواسته‌های خود را حاصل نمایند، شاید موضوع زمان را تنها نقطه ضعف این زمین بازی می‌توان بر شمرد. بدیهی است توان مقاومت دولت‌های کوچک‌تر در مقابل یک بمباران سنگین کمتر از یک تحریم اقتصادی است، ولی احتمالاً تحقق اهداف برای قدرت‌های بزرگ از مکانیزم‌های اقتصادی کم حاشیه تر خواهد بود. ایران نیز از جمله کشورهایی است که در طول سالیان گذشته با این مکانیزم درگیر بوده است، شاید توسعه توان نظامی ایران در کنار اتحادهای نانوشته‌ای که با قدرت‌های بلوک شرق ایجاد نموده است هزینه‌های درگیری نظامی را برای آمریکا و کشورهای غربی تا حدی بالا برده است که این امر استفاده از مکانیزم‌های ثانویه به‌ویژه در بخش اقتصادی را برای این بلوک اجتناب‌ناپذیر نموده است. در مقاله حاضر با استفاده از چارچوب بابوک (مجموعه دانش تجزیه و تحلیل کسب و کار^۱) یا بدنه دانش تحلیل کسب و کار، که یک ابزار تحلیل در حوزه کسب و کار شرکت‌ها و سازمان هست، نسبت به تحلیل همه جانبه الگوهای مداخله آمریکا

1. BABOK :Business Analysis Body of Knowledge

در بخش‌های اقتصادی ایران اقدام گردید. در این مکانیزم با استفاده از ابزارهای ارائه شده در این چارچوب احتمالات ممکن در خصوص تهدید اقتصاد ایران از سوی کشورهای دیگر بررسی و در نهایت به صورت ساختارهای درختی ترسیم می‌شوند.

در طول سال‌های گذشته تلاش‌های متعددی در بانک صورت گرفته است تا بدنه کارشناسی، بخش صف و مدیریت ارشد بانک را در درک شرایط و اتخاذ تصمیمات یاری رسانند، این تلاش‌ها منجر به شکل‌گیری سامانه‌های متعددی در بانک شده است که البته عمدتاً به ارائه گزارشات ساده در خصوص دیتا و یا در نهایت گزارشات تحلیلی سطح پایین می‌پردازند، سامانه‌های که تحت عنوان سامانه‌های آماری شناخته می‌شوند. اطلاعات اخذ شده از این سامانه در بسیاری از مواقع با یکدیگر انطباق نداشته و تحلیل‌گران را دچار چالش می‌نمایند، از طرف دیگر کثرت این سامانه‌ها در بانک سردرگمی بسیاری ایجاد می‌نماید. بخش مختلف بانک نیز با تحلیل اطلاعات و آمار این سامانه‌ها خوراک اطلاعاتی را جهت تصمیم‌سازی مدیران آماده می‌نمایند. در این راستا، پژوهش حاضر در تلاش است تا ضمن بررسی و تحلیل ساختار مداخله اقتصادی ایالات متحده در ایران و پاسخ به این سؤال که الگوهای مداخله خارجی در بخش‌های اقتصادی ایران چگونه بوده است؟ مکانیزم بابوک، به‌عنوان ابزار قدرتمند غرب برای فشار بر جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی دقیق و علمی قرار دهد و در نهایت به تحلیل سازوکار، تأثیرات و رویکردهای موجود در این زمینه بپردازد.

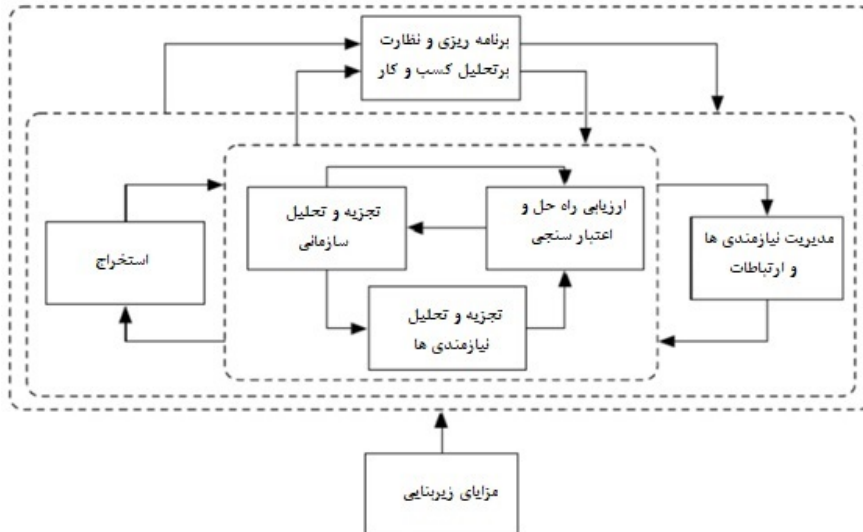
۱- ادبیات موضوع در چارچوب بابوک

این چارچوب با تحلیل چند بعدی موضوع مورد بررسی سبب می‌شود شناخت کافی نسبت به موضوع بهتر و تصمیم‌گیری آسان‌تر و دقیق‌تر گردد. مراحل اجرای این متدولوژی به شرح بندهای ذیل است (امینی، ۱۳۹۴: ۱۲):

۱. برنامه‌ریزی و مانیتورینگ تحلیل کسب‌وکار (در این مقاله فضای اقتصادی ایران و شرایط مداخله)؛
۲. تحلیل سازمان (در این مقاله فضای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران)؛
۳. تحلیل نیازمندی‌ها؛
۴. مدیریت نیازمندی‌ها و ارتباطات؛
۵. استخراج نیازمندی‌ها؛

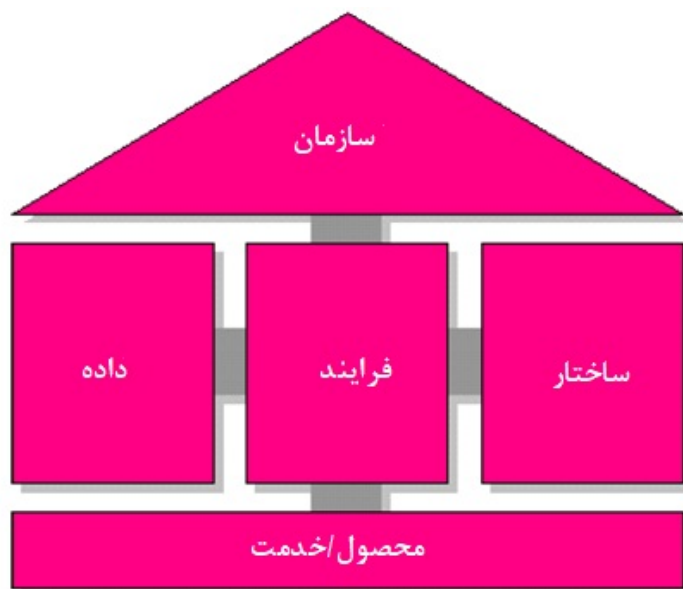
۶. ارزیابی و اعتبار سنجی راه‌حل.

در شکل ذیل مراحل بابوک را می‌توان مشاهده نمود:



شکل ۱. مراحل بابوک (مهربانی، ۱۳۹۵: ۶۸)

پیاده‌سازی استاندارد بابوک سبب می‌شود فضای کسب و کار از ابعاد گوناگون درک شود. در این مدل ۵ چشم‌انداز مد نظر است. لذا هر یک از این بخش‌ها را می‌توان جداگانه نیز مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. مبحث بابوک صرفاً بر پایه داده و اطلاعات استوار نیست، بلکه در فضایی قرار می‌گیرد که می‌بایست ابعاد کسب و کار در بخش‌های مختلف تحلیل گردد (فرهادی، ۱۴۰۲: ۱۳۳).



شکل ۲. درخت KPIها (Bumba1 & Manuel, 2023:178)

لازمه پیاده‌سازی این طرح شناسایی درخت KPIها است؛ به گونه‌ای که این درخت بتواند ارتباطی مستقیم و یکپارچه بین دیتا و استراتژی برقرار نماید (Bumba1 & Manuel, 2023:178).

۱-۱- هدف از اجرای طرح در چارچوب بابوک

تصمیم‌سازی و حمایت از مکانیزم تصمیم‌گیری یکی از اهداف عالی این استاندارد می‌باشد به گونه‌ای که تصمیم‌گیرنده راه‌حل‌های ارائه شده را با کم‌ترین ریسک ممکن اتخاذ نماید و امکان تعیین اثرات آن را نیز داشته باشد. در واقع هدف اصلی بابوک تعریف حرفه تحلیل تجاری و ارائه مجموعه‌ای از شیوه‌های پذیرفته شده است. این امر به افراد کمک می‌کند تا بحث و تعریف مهارت‌های لازم برای انجام مؤثر تجزیه و تحلیل کسب و کار را انجام دهند. پیاده‌سازی این مکانیزم عملاً ابزاری مؤثر جهت بکارگیری استراتژی‌های مؤثر در مدیریت اقتصادی کشور است. این مکانیزم با شکستن مسأله به مسائل کوچک‌تر هم امکان تشریح آن را توسعه می‌دهد و هم امکان ارائه راه‌حل مناسب‌تر را فراهم می‌کند. بدیهی است در بخش‌های پایین دستی اطلاعات حاصل از

این گزارش می‌تواند توسط نهادهای با سطح تصمیم‌گیری پایین‌تر به کار آید. (International Institute of Business Analysis, 2015:13).

۱-۲- تعاریف، اختصارات مورد استفاده در چارچوب بابوک

طبیعتاً برای ورود به بخش اصلی این مقاله لازم است ابتدا تعاریف تخصصی از مفاهیم مورد استفاده در چارچوب بابوک به مخاطب ارائه گردد (International Institute of Business Analysis, 2015):

- **تعیین بنچمارک^۱**: تعیین استاندارد از وضعیت عملکرد سازمان در مقایسه با شرکت‌های مشابه.

- **طوفان فکری^۲**: استخراج ایده‌های نو در بازه کوتاه زمانی توسط گروهی از افراد.

- **تحلیل قوانین تجاری^۳**: تعریف قواعد و اصولی که بر فرآیند تصمیم‌گیری و همچنین عملکرد سازمانی تأثیرگذار است.

- **گردآوری و مستندسازی داده^۴**: مستندسازی داده‌ها و تعاریف عبارات کلیدی مرتبط با دامنه فعالیت‌های تجاری سازمان.

- **دیاگرام‌های جریان داده^۵**: مصور سازی جریان ورود، پردازش، نگهداری، و خروج داده از سازمان.

- **مدلسازی داده‌ها^۶**: توصیف فرضیات مرتبط با دامنه فعالیت‌های تجاری، روابط بین این فرضیات و اطلاعات مرتبط با آن‌ها.

- **تحلیل تصمیمات^۷**: تحلیل فرآیند تصمیم‌گیری در شرایط عدم قطعیت، چالش‌ها و شرایط پیچیده.

-
1. Benchmarking
 2. brain storm
 3. analyzing business rules
 4. data collection and documentation
 5. Data flow diagrams and data documentation
 6. diligent data
 7. decision analysis

- تحلیل مستندات^۱: مطالعه مستنداتی که تاکنون در خصوص مسائل مشابه گردآوری شده و ارزیابی راه‌حل‌های اتخاذ شده به منظور مقایسه راه‌حل‌های موجود و راه‌حل‌های پیشین.
- تخمین^۲: پیش‌بینی هزینه‌ها و منابع مورد نیاز برای تحقق هدف مورد نظر.
- تشکیل کارگروه‌های هدفمند^۳: تشکیل جلساتی مجزا به منظور یادگیری سازمانی و آشنایی با نظرات فردی درباره فرصت‌های پیشرو.
- تجزیه و تحلیل کاربردی^۴: تجزیه فرآیندها و واحدهای بزرگ به المان‌های کوچک‌تر و ارزیابی مستقل المان‌ها.
- آنالیز^۵: تحلیل رابطه علت و معلولی بین راه‌حل منتخب و چالش شناسایی شده.
- مصاحبه^۶: کسب اطلاعات از فرد یا افراد صاحب اطلاعات مرتبط با حوزه مورد بررسی و مستندسازی پاسخ‌ها.
- فرآیند یادگیری سازمانی^۷: مطالعه مستندات و گزارش‌های گذشته، به منظور یادگیری از فرصت‌ها و تجربیات مشابه.
- شاخص‌های کلیدی عملکرد^۸: ارزیابی عملکرد راه‌حل منتخب.
- تحلیل منابع غیر کاربردی^۹: توصیف عملکرد مشخصات کاربردی و مورد نیاز یک سیستم و حذف مشخصات غیر ضروری.
- مدلسازی سازمان^{۱۰}: توصیف روابط، مسئولیت‌ها، و ساختارهای گزارش دهی به منظور همسو سازی ساختار با اهداف سازمانی.

1. document analysis
2. estimate
3. Establishing task forces
4. Applied analysis
5. Interface analysis
6. Interview
7. Organizational learning process
8. Key performance indicators
9. Non-functional resource analysis
10. Organization modeling

- ردیابی مشکل^۱: ردیابی، مدیریت، و رفع نواقص، مشکلات و ریسک‌ها از طریق فعالیت‌های تحلیل سازمان.
- مدلسازی فرآیند^۲: درک بهتر نقش وظایف درون بخش‌های سازمان.
- تهیه نمونه اولیه^۳: توصیف رابط‌های کاربری سازمان و یکپارچه سازی اطلاعات حاصل از کانال‌های مختلف.
- آنالیز ریسک^۴: شناسایی و مدیریت حوزه‌های تأثیرگذار و غیرقطعی بر سازمان و راه‌حل منتخب.
- آنالیز ریشه‌یابی^۵: ریشه‌یابی علل اصلی مسئله.
- سناریوها و مطالعات موردی^۶: کسب اطلاعات از نحوه تعامل اهداف، نقش‌ها، و سازمان با یک‌دیگر.
- مدلسازی قلمرو^۷: تعیین قلمرو تحلیل و محدوده راه‌حل.
- دیاگرام‌های توالی^۸: مدلسازی منطق توالی سناریوها، با استفاده از نمایش جریان اطلاعات بین بخش‌های مختلف سازمان.
- نمودار حالات^۹: نمایش چگونگی تغییر رفتار بخش‌ها در صورت بروز رویدادهای مختلف.
- تحقیقات ساختار یافته^{۱۰}: بررسی و تحقیق به‌منظور جذب، بازبینی و اعتبارسنجی منابع.
- پرسشنامه و نظرسنجی^{۱۱}: کسب اطلاعات از تعداد زیادی از افراد در بازه زمانی نسبتاً کوتاه.

1. Problem tracking
2. Modeling process
3. Prepare prototype
4. Risk analysis
5. Rooting analysis
6. Scenarios and case studies
7. Territory modeling
8. Sequence diagrams
9. State diagrams
10. Structured research
11. Questionnaire and surveys

- آنالیز SWOT: ابزاری قدرتمند و پرسرعت برای بررسی وضعیت فعلی سازمان تحت شرایط تغییر.

- نیازمندی‌های کاربر^۲: ارائه توصیفاتی کوتاه درباره مزایای خروجی راه‌حل از منظر کارکردهای مورد نیاز کاربر.

- باوک^۳: یا بدنه دانش تحلیل کسب و کار.

۲- ادبیات موضوع در چارچوب الگوهای مداخله

روابط بین کشورهای مختلف در چارچوب یک طیف مشخص از جنگ و صلح قابل تقسیم است. دو کشور از حیث ارتباطات می‌توانند هر جای این طیف قرار گیرند. بدیهی است سطح ارتباطات بین کشورها در طول زمان تغییر می‌نماید. شکل زیر نمایی کلی از روابط احتمالی دو دولت را به تصویر می‌کشد.

مذاکره و تعامل							
صلح	روابط نظامی - امنیتی	روابط اقتصادی	روابط سیاسی	فشار سیاسی	فشار اقتصادی	فشار نظامی - امنیتی	جنگ

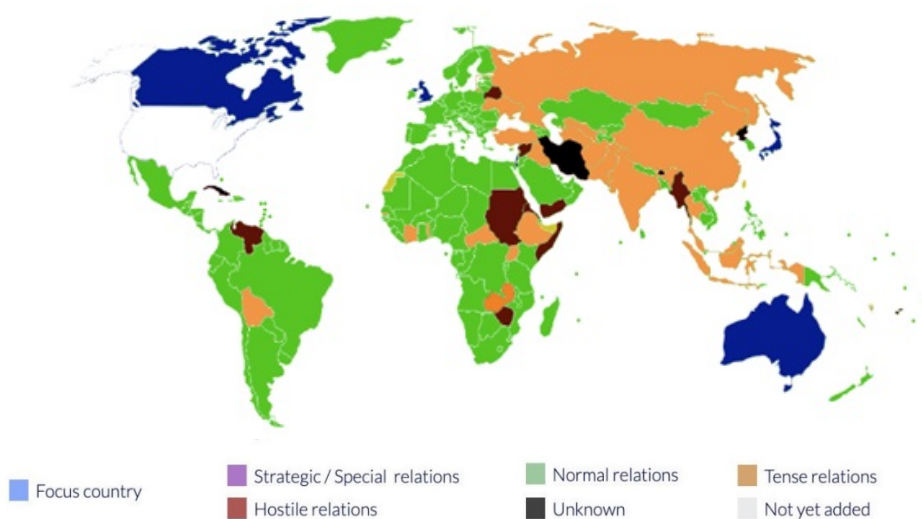
شکل ۳. طیف وضعیت‌ها در صلح و جنگ (Vettner, 2021: 23)

حال این که قرار گرفتن دو کشور در خصوص روابط خود در کجای این طیف قرار می‌گیرند به عوامل متعددی باز می‌گردد که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. منافع مورد منازعه؛
۲. توازن سیاسی، اقتصادی و نظامی دو کشور؛
۳. اتحادیه‌های سیاسی و نظامی که در آن عضو هستند؛
۴. مباحث ایدئولوژیک؛
۵. نزدیکی جغرافیایی (Vettner, 2021: 23).

1. SWOT analysis
2. User requirements
3. Business Analysis Body of Knowledge

سطح روابط بین دو کشور با توجه به مباحث مطرح شده در فوق متغیر است برای نمونه تصویر ذیل وضعیت ایالات متحده آمریکا در مقایسه با سایر کشورهای جهان را در سال ۲۰۲۰ نشان می‌دهد حال آن‌که این روابط به‌ویژه در مقابل روسیه به واسطه عامل منافع مورد منازعه و افغانستان به دلایل ایدئولوژیک در سال ۲۰۲۲ تغییر کرده است.

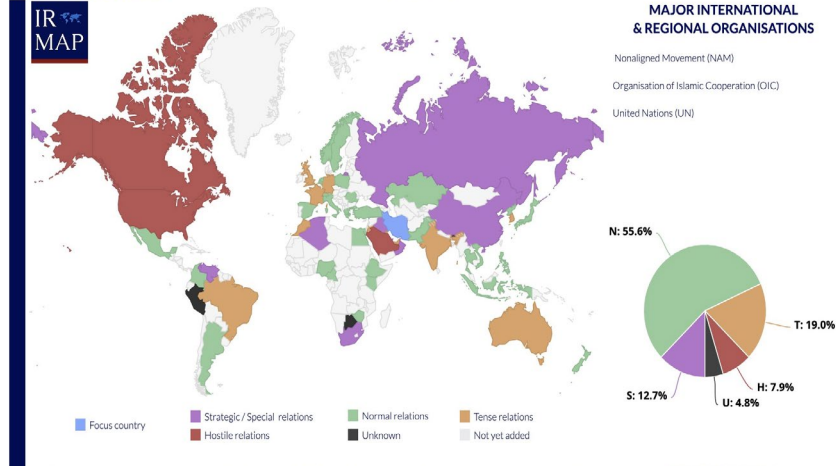


شکل ۴. روابط آمریکا با دیگر کشورها (Medium, 2020: 21)

بدیهی است این تصویر را می‌توان برای همه کشورهای دنیا ترسیم نمود و مطمئناً کشورهایی که تعاملات مثبت بیشتری با سایر کشورها داشته باشند از شانس‌های بیشتری برای توسعه و صلح برخوردارند. نگاهی به ارتباط ایران با سایر کشورها نشان می‌دهد. تنها با ۱۲ درصد از کشورها رابطه استراتژیک وجود دارد. در حالی که این آمار برای عربستان سعودی ۱۹ و برای ژاپن ۳۸ و برای ایالات متحده آمریکا ۴۸ درصد است.

LAST UPDATED: JUNE 2020

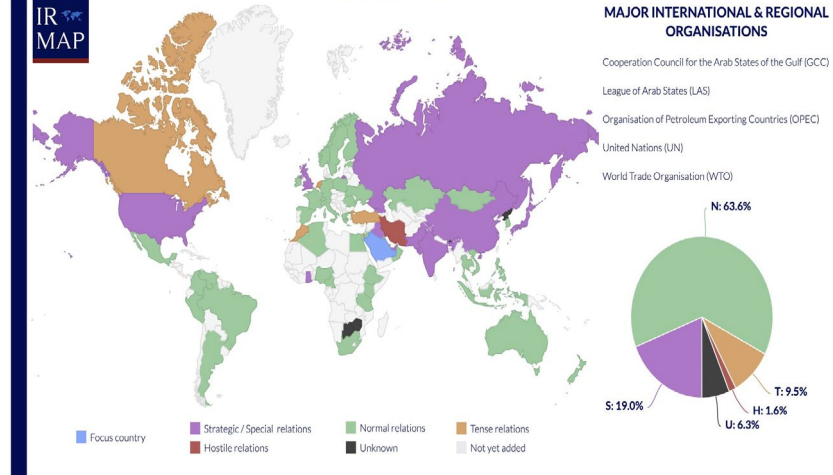
IRAN



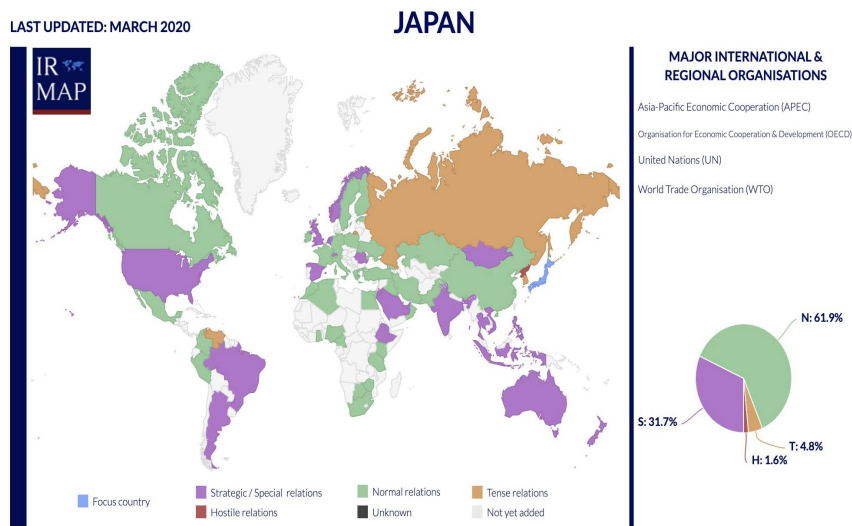
شکل ۵. روابط ایران با دیگر کشورها (Washingtonpost, 2020)

LAST UPDATED: MARCH 2020

SAUDI ARABIA



شکل ۶. روابط عربستان با دیگر کشورها (Washingtonpost, 2020)



شکل ۷. روابط ژاپن با دیگر کشورها (Washingtonpost, 2020)

این آمار و اطلاعات اگر چه کلی هستند، اما می‌توانند ذهنیتی راه‌گشا ایجاد نمایند، البته بدیهی است تغییر این شرایط بدون اتخاذ تصمیمات سخت امکان‌پذیر نیست، لیکن این امر تغییری در این حقیقت که تعاملات سازنده با کشورهای مختلف دارای منافع متعددی است ایجاد نمی‌کند (Washingtonpost, 2020).

در مقاله حاضر برای درک مفهوم فوق به صورت معکوس عمل شده است یعنی با بررسی اثرات مداخلات خارجی به‌ویژه قدرت‌های بزرگ در وضعیت اقتصادی کشور، ضمن بررسی مکانیزم‌های مداخله اثرات احتمالی آن بررسی و تحلیل می‌گردد.

۲-۱- الگوهای مداخله در کشورها

از نظر لغوی واژه مداخله از بار منفی برخوردار است یعنی از نظر افکار عمومی مداخله در سایر کشورها عموماً امری اخلاقی محسوب نمی‌شود لیکن این امر در چارچوب مراودات سیاسی امری مرسوم است و هر کشور تلاش دارد به‌گونه‌ای در چارچوب سیاسی کشورهای دیگر مداخله نماید تا منافع کشور خود در تعامل با کشور هدف بهینه نماید، برای نمونه بسیاری از کشورها علاقه‌ای به روی کار آمدن احزاب راست ملی‌گرا در کشورهای همسایه ندارند زیرا در تعاملات اقتصادی،

سیاسی و حتی ارضی این احزاب به صورتی افراطی منافع حداکثری را در نظر می‌گیرند که این امر شرایط و معادلات بین کشورها را پیچیده تر می‌کند.

سیاست خارجی آمریکا همواره رویه‌ها و ایستارهای متضادی در قبال موضوع مداخله داشته است. در ابتدا، سیاست آمریکا تحت تأثیر دکترین مونروئه^۱ (۱۸۲۳) قرار داشت که به موجب آن جهان جدید، باید آزاد از مداخله جهان قدیم باشد. بر اساس این دکترین، ایالات متحده با هدف ممانعت از مداخله کشورهای اروپایی در نیمکره غربی، حق مداخله در امور کشور آمریکای لاتین را برای خود محفوظ می‌دانست که در سرتاسر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم مورد توجه قرار گرفت. ایالات متحده در ابتدا حق مداخله هژمونیک در نیمکره غربی را برای خود قائل بود (Ebrahimi, 2007: 102)؛ اما پس از جنگ جهانی دوم، تعریف خود از عرصه منافع حیاتی را گسترش داد و به این ترتیب بیشتر بخش‌های جهان را دربرگرفت (Akhtar et al, 2003: 93). جیمز مونروئه^۲ دسامبر ۱۸۲۳ در پیامی به کنگره آمریکا در دوم دسامبر ۱۸۲۳ این موضوع را مطرح کرد که قاره‌های آمریکا دیگر از سوی حکومت آمریکا، جایی برای استعمار آتی دولت‌های اروپایی نخواهد بود و اینکه کشورهای اروپایی نباید به دنبال گسترش نظام‌های سیاسی خود به نیمکره غربی باشند و ایالات متحده نباید در امور مستعمره‌های اروپایی دخالت کند (Akhtar et al, 2003: 96). ایالات متحده مداخله نظامی را ابزاری مؤثر در حوزه سیاست خارجی می‌داند و پس از جنگ جهانی دوم بارها از آن استفاده کرده است (Choi and James, 2014: 900). نوع خاص مداخله آمریکا را می‌توان در سیاست‌های وودرو ویلسون مشاهده کرد. فرید زکریا، میل شدید بوش به اشاعه دموکراسی را ویلسونیسیم همراه با کینه‌توزی می‌نامید (Walker, 2009: 263). در دهه ۸۰، طرفداران مداخله، مباحث امنیتی را مورد توجه قرار دادند؛ با این ادعا که مداخله‌های آمریکا موجب ترویج دموکراسی می‌شود. هرچند سابقه تاریخی نشان می‌دهد که مداخله‌های پلیس آمریکا در تقویت دموکراسی ناکام بوده و اغلب موجب تثبیت دیکتاتوری‌ها شده است. این سابقه نشان می‌دهد که ایالات متحده فاقد اراده و توانایی لازم برای پیشبرد دموکراسی است و رهبران آمریکایی فقط زمانی از دموکراسی حمایت می‌کنند که حکومت‌هایی شکل بگیرند که حامی سیاست‌های آمریکا باشند (Akhtar et al, 2003: 106). ابزارهای مداخله ایالات متحده متفاوت است؛ ۱- کمک‌های اقتصادی و

1. Monroe Doctrine

2. James Monroes

نظامی، ۲- تحریم‌های اقتصادی، ۳- مداخله مخفی، ۴- مداخله شبه-نظامی و ۵- مداخله نظامی مستقیم (Hecker, 2017:27). رابرت کوهین پنج معیار را برای توجیه مداخله آمریکا به هنگام به خطر افتادن منافع آمریکا ارائه کرده است: اقدام نظامی نباید غیرعادلانه باشد. البته مهم نیست که عادلانه باشد، فقط نباید غیرعادلانه باشد. هیچ راهبرد برتری به جز استفاده از زور وجود نداشته باشد. باید یک راهبرد خروج سیاسی معقول وجود داشته باشد که دستاوردهای مهم مداخله را حفظ کند. اگر تنها راهبرد خروج موجب از بین رفتن دستاوردهای شما شود، نباید اقدام کرد. اهداف باید به‌صراحت مشخص شود و اینکه شاخص‌های سنجش و دستاوردهای مهم مشخص باشد و در نهایت باید رویه‌های صریح برای ارزیابی‌های دوره‌ای و شفافیت کامل وجود داشته باشد (Keohane, 2011: 12).

در چارچوب جغرافیای سیاسی ایران واژه استقلال مفهومی کلیدی است هرچند این امر مانع از عدم تلاش سایر دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی در تحت تاثیر قرارداد سیاست‌های کشور نمی‌شود. هدف اصلی از ایجاد این فشارها نه تنها در ایران بلکه در خصوص سایر کشورهای دیگر، در واژه «تغییر رفتار و سیاست‌ها» خلاصه می‌شود حال این تغییر رفتار می‌تواند بعد ایدئولوژیک داشته باشد یا صرفاً اقتصادی، دلایل متعددی را می‌توان برای تلاش کشورها و یا نهادهای بین‌المللی برای تلاش در جهت تغییر رفتار کشورها برشمرد.

۲-۱-۱- سطوح مداخله در کشورها

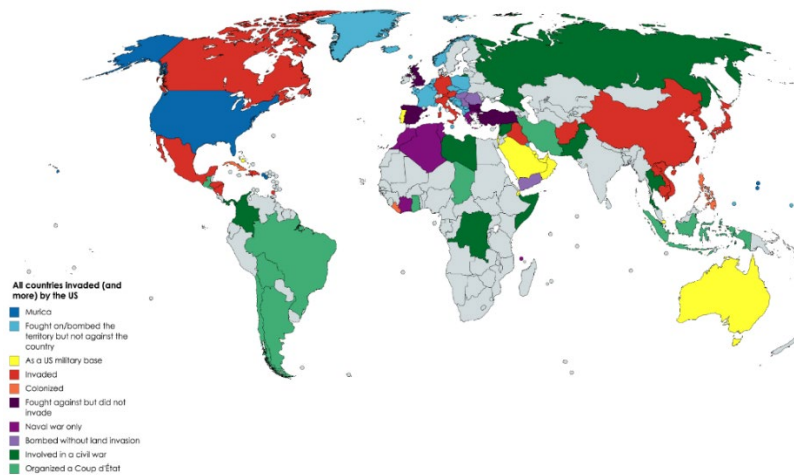
سطوح دخالت کشورها نیز تحت تأثیر میزان منافع، قدرت و ساختار سیاسی و اجتماعی کشور مورد نظر و تعاملات بین‌المللی متفاوت است و از کمک به نهادها و گروه‌های هوادار شروع می‌شود و تا تغییر حکومت با نیروی نظامی ادامه می‌یابد.



شکل ۸. سطوح مداخله در کشورها (منبع: نگارندگان)

اینکه یک موضوع در کجای این نمودار قرار گیرد پاسخ‌های متفاوتی می‌طلبد، از شدیدترین شکل مداخله که یک جنگ تمام عیار است مانند درگیری نظامی آمریکا در جنگ دوم جهانی به واسطه منافع اش در اقیانوس آرام و اروپا تا مداخله نظامی در مناطق استراتژیکی مانند پاناما و سومالی و یا حمایت و تدارک کودتا در کشورهایی مانند گواتمالا، پاراگوئه و بولیوی و یا دخالت سیاسی جهت تغییر نخست وزیر در پاکستان گرفته تا اعمال تحریم‌های اقتصادی در خصوص ایران نمونه‌های است از اشکال مداخله که عمدتاً توسط قدرت‌های بزرگ انجام می‌شود. مثال‌های فوق عمدتاً به ایالات متحده باز می‌گشت و در همه این سطوح مثال‌های متعددی می‌توان برای سایر قدرت‌های بزرگ و یا قدرت‌های منطقه‌ای نیز برشمرد. برای نمونه حمله روسیه به گرجستان، حمایت ایران از جنبش انصارالله در یمن (Armstrong, 2020:19).

تصویر ذیل بخش از مداخلات عمدتاً نظامی ایالات متحده را در سطوح مختلف به تصویر می‌کشد.



شکل ۹. مداخلات نظامی آمریکا (Mapsontheweb, 2017)

در سطوح پایین‌تر مداخله رنگ و بوی سخت و نظامی ندارد، بلکه به صورت تحریم‌های اقتصادی، فشارهای سیاسی و یا حتی از طریق برقراری روابط تجاری اتفاق می‌افتد. مانند روابط موجود چین با کشورهای افریقایی. این مداخله‌ها نه تنها در کشورهای متخاصم و رقیب بلکه حتی در کشورهای دوست نیز اتفاق می‌افتد مانند تلاش لابی‌های رژیم صهیونیستی برای تأثیر در نتایج انتخابات آمریکا و یا تلاش ایالات متحده برای تأثیر بر نتایج همه پرسی برگزیت در بریتانیا (maps on the web, 2017).

۳- تلاش آمریکا جهت مداخله

آلیس لایمن میلر، استاد در رشته امور امنیت ملی در مرکز کارشناسی ارشد نیروی دریایی آمریکا، ابرقدرت را کشوری توصیف می‌کند که دارای توانایی لازم برای اثرگذاری در هر نقطه از جهان باشد حتی در برخی مواقع این توانایی‌ها را برای استفاده در چندین منطقه از جهان به‌طور همزمان داشته باشد؛ (مانند حضور هم‌زمان اتحاد جماهیر شوروی در دو جبهه مجارستان و کانال سوئز) و قادر به ایجاد یک هژمونی در جهان باشد (Miller, 1997: 49; Sazmand, 2013: 27). این که امروز روسیه مجبور شده فضای سوریه را به منظور جنگ در اوکراین تا حد زیادی ترک نماید و حتی در اوکراین بدون حمایت نظامی برخی کشورها با مشکل روبرو می‌شود نشان می‌دهد این کشور از مفهوم ابرقدرت فاصله گرفته است.

توان تأثیرگذاری ایالات متحده در بخش‌های مختلف جهان بر کسی پوشیده نیست این قدرت ریشه در موارد متعددی دارد عمده‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

توان ایدئولوژیک: ایالات متحده با توجه ابعاد مختلف قدرت خود توانسته است به نوعی رهبری آنچه را که جهان آزاد می‌خواند را بر عهده بگیرد؛ این رهبری نه تنها پشتوانه سیاسی و اقتصادی دارد بلکه، پشتوانه‌ای ایدئولوژیک و فرهنگی نیز دارد، این کشور به عنوان بهترین دموکراسی جهان خود را معرفی می‌نماید. زندگی آمریکایی و رویای آمریکایی نوعی مرجعیت در جوامع غربی به ایالات متحده داده است.

توان تکنولوژیک: تکنولوژی اسب اقتصاد آمریکا است، آمار شرکت‌های بخش فناوری نشان می‌دهد تفاوتی چشمگیر بین این کشور و سایر بخش‌های جهان وجود دارد این فاصله بویژه در بخش فناوری‌های اطلاعات نمود بیشتری دارد.

توان نظامی: از بعد نظامی با سقوط اتحاد جماهیر شوروی برتری نظامی ایالات متحده به‌طور کامل مشهود گردید، سایر کشورها توان سرمایه‌گذاری و تکنولوژیک کافی جهت رقابت را نداشته و کم‌کم فاصله‌ها بیشتر شد، قدرت نوظهور چین تا حدی قواعد بازی در دهه نود و ابتدای قرن بیست و یکم را بر هم زد ولی باز هم می‌توان ادعا نمود با وجود رشد پرشتاب چین، اما جهان هنوز هم وارد عصر جهان دو قطبی نشده است. جدول ذیل بیانگر تفاوت سطح هزینه‌های نظامی در کشورهای مختلف (worldpopulationreview, 2022) است.

جدول ۱. هزینه‌های نظامی کشورهای منتخب

رتبه	کشور	هزینه (میلیارد دلار)	درصد نسبت به کل هزینه‌های نظامی در جهان
	مجموع (جهان)	۱.۷۳۹	۱۰۰
۱	ایالات متحده آمریکا	۷۶.۹	۴.۰
۲	چین	۱۶.۶	۱.۳
۳	عربستان سعودی	۶۹.۴	۰.۴
۴	روسیه	۶۶.۳	۳.۸
۵	هند	۶۳.۹	۳.۷
۶	فرانسه	۵۷.۸	۳.۳

رتبه	کشور	هزینه (میلیارد دلار)	درصد نسبت به کل هزینه‌های نظامی در جهان
۷	بریتانیا	۴۷,۲	۲,۷
۸	ژاپن	۴۵,۴	۲,۶
۹	آلمان	۴۴,۳	۲,۵
۱۰	کره جنوبی	۳۹,۲	۲,۳
۱۱	برزیل	۲۹,۳	۱,۷
۱۲	ایتالیا	۲۹,۲	۱,۷
۱۳	استرالیا	۲۷,۵	۱,۶
۱۴	کانادا	۲۰,۶	۱,۲
۱۵	ترکیه	۱۸,۲	۱,۰

(worldpopulationreview, 2022)

با وجود سطح گسترده هزینه‌های نظامی در آمریکا باز هم نسبت هزینه‌های نظامی این کشور به تولید ناخالص داخلی در مقایسه با بسیاری از کشورها کمتر است لذا این هزینه‌ها فشار کمتری به اقتصاد این کشور وارد می‌نماید.

توان اقتصادی: اقتصاد قدرت متحرکه این کشور است و عمده‌ترین دلیل جهت تبدیل آمریکا به ابر قدرت جهانی توان اقتصادی آن است. سهم ۲۵ درصدی ایالات متحده از تولید ناخالص داخلی کماکان این کشور را در رتبه نخست اقتصادهای جهان قرار داده است. نه تنها حجم تولید ناخالص داخلی آمریکا بسیار تعیین کننده است بلکه حجم مراودات تجاری این کشور نیز به گونه‌ای است که هیچ کشوری نمی‌تواند تعامل با آن را نادیده بگیرد. لذا در مقام انتخاب کشورها ادامه رابطه اقتصادی با کشورهای تحریم شده را در مقابل حفظ روابط با ایالات متحده نادیده می‌گیرند.

۴- مکانیزم مداخله ایالات متحده آمریکا در ایران

ایالات متحده آمریکا با نظر داشت منافع چندگانه سیاسی، امنیتی و اقتصادی خود در منطقه خلیج فارس، همواره رویکردی مداخله گرایانه در قبال مناسبات موجود میان کشورهای منطقه

اتخاذ کرده است. این رویکرد در عمل در قالب اشکال متنوعی از جمله پیمان‌های امنیتی، کمک‌های مالی، فروش تسلیحات، فشارهای اقتصادی، مداخلات نظامی جلوه گر شده است. در چنین بستری، توجه ویژه به نقش متغیر ایالات متحده در تحولات منطقه خلیج فارس ضرورتی مضاعف می‌یابد و این امر در رابطه با جنگ تحمیلی رژیم بعث علیه جمهوری اسلامی ایران نیز قابل توجه است (Pourshasab, 2024:14).

«اصل عدم مداخله» در امور داخلی کشورها یکی از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل است که به موجب این اصل کشورها از دخالت در امور یک‌دیگر منع شده‌اند. بر این اساس اصل «عدم توسل به زور» به عنوان یک اصل مکمل مطرح می‌شود. رعایت اصول مذکور موجب حفظ حاکمیت و استقلال تمامی کشورها و احتمالاً صلح در عرصه بین‌الملل خواهد شد. اما در طول سال‌های گذشته بویژه بعد از جنگ سرد و با شکل‌گیری دو نسل‌کشی عمده در بوسنی و لواندا مفاهیم «صلح داخلی» و «صلح بین‌المللی» به یک‌دیگر نزدیک شدند و کشورهای بزرگ حتی با استفاده از اهرم شورای امنیت سازمان ملل اقدام به اتخاذ استراتژی‌های مداخله جویانه در بسیاری از کشورها نمودند به این ترتیب اصل «عدم مداخله» تا حدودی تضعیف شد (Abbasi, 2008:169).

در کنار مفهوم حقوق بشر واژه دیگری تحت عنوان تروریسم که با واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ شکل جدیدی به خود گرفت نیز عاملی جهت مداخله در سایر کشورها شد که مهمترین شکل آن حمله نظامی آمریکا به عراق و افغانستان بود.

شاید پیچیده شدن جنگ آمریکا در عراق و فشار افکار عمومی عمدتاً ضد جنگ سبب شد اشکال متفاوت مداخله که قبل تر کمتر در دستور کار قرار می‌گرفت به شکل کاملاً ویژه‌ای در دستور کار قدرت‌های جهانی بویژه ایالات متحده قرار گیرد که نمونه بارز آن در تحریم‌های اعمال شده علیه ایران، روسیه و کره شمالی مشهود است.

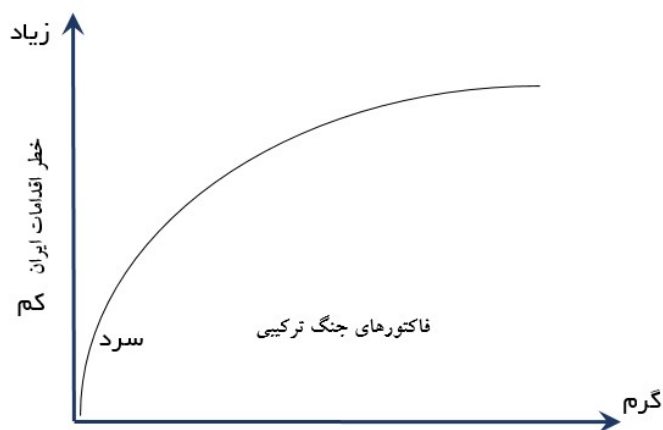
امروز مثل گذشته مفهوم کلاسیکی از جنگ و مداخله خریدار ندارد، بلکه قالب‌های متعددی برای دخالت که منجر به تغییر رفتار و یا جایگاه کشورها می‌شود مورد نظر است یکی از مهمترین نظریه‌ها در این بین نظریه فرانک هافمن است که تحت عنوان جنگ ترکیبی شناخته می‌شود و به یک راهبرد نظامی گفته می‌شود که آمیخته‌ای از جنگ سیاسی، جنگ کلاسیک، جنگ نامنظم، جنگ مجازی، خبررسانی جعلی، دیپلماسی، جنگ دادگاهی، مداخله در انتخابات کشورهای

خارجی، برهم زدن بافت جمعیتی، مهاجرپذیری، یورش فرهنگی، ایجاد تضاد دینی و اینگونه موارد است (Riyazi, 2021: 31). سازنده این راهبرد تلاش می‌کند با آمیختن روش‌های گوناگون، بیشترین آسیب را به کشور مورد نظر وارد نماید.

اینکه هدف ایالات متحده از مداخله در امور ایران ایجاد بیشترین خسارت ممکن است یا تغییر رفتار سیستم، جای بحث زیادی دارد ولی با توجه به تأثیراتی که شرایط ایران می‌تواند بر فضای جغرافیای سیاسی کشورهای متحده آمریکا در غرب آسیا و اروپا داشته باشد به نظر می‌رسد استراتژی تغییر رفتار ایران در اولویت قرار بگیرد، بدیهی است آخرین و پر هزینه ترین اقدام جهت تغییر رفتار حاکمیت در ایران یک اقدام همه جانبه نظامی است که قطعاً نتیجه آن به واسطه موارد ذیل غیر قابل پیش‌بینی است:

- ۱- عدم تخمین دقیق توان نظامی ایران؛
- ۲- عدم تخمین میزان حمایت گروه‌های نیابتی در زمان جنگ احتمالی؛
- ۳- عدم تخمین دقیق مفهوم وحدت ملی در زمان حمله نظامی در بین مردم؛
- ۴- عدم تخمین میزان حمایت شرکای استراتژیک ایران از ایران در یک جنگ احتمالی؛
- ۵- عدم تخمین هزینه‌های اقتصادی و سیاسی جنگ.

این موارد سبب می‌شوند که ایالات متحده و متحدانشان منافع تغییر رفتار ایران را در مقابل ریسک‌ها و هزینه‌های یک اقدام نظامی قابل توجه ندانند، بر این اساس اتخاذ یک استراتژی ترکیبی که سهم بخش نظامی در آن اندک باشد بسیار منطقی تر و مطمئن تر است. لذا آنچه امروز در برابر جهان قرار دارد، یک جنگ ترکیبی است که از الگوی ذیل پیروی می‌کند.



شکل ۱۰. کیفیت جنگ ترکیبی علیه ایران (منبع: نگارندگان)

تا جایی که رفتار ایران خطرات بسیار جدی برای غرب ایجاد نماید کنترل رفتار ایران با ابزارهای سرد در جنگ ترکیبی اولویت خواهد داشت اما شرایط با تغییر میزان خطر ایران ممکن است تغییر نماید. این تصور که غربی‌ها تحت هیچ شرایطی وارد یک درگیری نظامی حتی از نوع تمام عیار آن نمی‌شوند منطقی نیست بلکه تابعی از رفتار ایران است، اما این امر تغییری در خصوص جاری بودن یک جنگ ترکیبی در شرایط فعلی ایجاد نمی‌نماید جنگی که در بندهای بعدی تلاش شده است جزئیات آن بویژه در بخش اقتصادی بررسی و تاثیر آن بر ایران تحلیل شود.

۵- تاریخچه روابط و مداخلات ایالات متحده آمریکا در ایران

به طور کلی در طول سال‌های قبل از انقلاب، ایران با سه سطح از مداخله روبرو است:

- ۱- اشغال نظامی به عنوان بالاترین شکل مداخله؛
- ۲- کودتا به عنوان بالاترین شکل دخالت غیر نظامی در امور یک کشور؛
- ۳- تغییر رفتار دولت ایران به واسطه انعقاد قراردادها تصویب قوانین و فشار بر سیاست‌های دولت ایران.

شرایط ایجاد شده ناشی از جنگ جهانی دوم و شکل‌گیری جنگ سرد و تفاوت آن با شرایط دنیا پس از سال ۱۹۸۰، باعث شد مکانیزم‌های مداخله آمریکا در ایران به‌طور کامل تغییر نماید،

خاطره جنگ ویتنام، همچنین شکست عملیات پنجه عقاب سبب شد تا آمریکا تلاش کند تنش ایجاد شده به واسطه ماجرای ۱۳ آبان ۱۳۵۸ و گروگان‌های امریکایی را مدیریت کند. اقدامات بعدی صورت گرفته توسط ایالات متحده پس از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ به نوعی پیاده سازی همان استراتژی جنگ ترکیبی بر علیه ایران است به گونه‌ای که سهم اقدامات خصمانه نظامی را می‌توان در چند مورد از جمله ماجرای طیس، ماجرای حمله به سکوها نفتی و کشتی‌های ایرانی و هواپیمای مسافربری ایرباس ایرانی و حملات گاه و بی‌گاه به گروه‌های حامی ایران در منطقه خلاصه نمود، شاید بارزترین عملیات نظامی آمریکا علیه ایران در سی سال گذشته را ترور شهید حاج قاسم سلیمانی بتوان برشمرد. سایر اقدامات علیه ایران در چارچوب‌های متفاوتی از بعد نظامی جای می‌گیرد، که از تحریم‌های اقتصادی و دعاوی حقوقی بین‌المللی تا حمایت از اپوزیسیون جمهوری اسلامی و یا تلاش در جهت تأثیرگذاری بر افکار عمومی داخلی را می‌توان عنوان نمود.

۶- تقسیم‌بندی مکانیزم‌های مداخله ایالات متحده آمریکا در ایران

فشارهای وارده از سوی ایالات متحده بر ایران در محدوده مشخصی تمرکز ندارد، عملاً این کشور در تمامی ابعاد ممکن در یک جنگ ترکیبی تمام عیار بر ایران فشار وارد می‌نماید؛ اما در این مقاله آنچه که مورد توجه است اقتصاد است؛ زیرا به نظر می‌رسد مباحث اقتصادی اصلی‌ترین فاکتورهای بکارگرفته شده در جنگ ترکیبی آمریکا علیه ایران است، فشارهای اقتصادی با هدف نهایی تغییر رفتار ایران ایجاد می‌شوند، فشارهایی که در نهایت شاخص‌های کلان اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

فشار بر اقتصاد ایران به اشکال مختلف در حال اجراست برخی اشکال آن کاملاً شفاف و حتی به صورت لایحه و قانون است و برخی اشکال دیگر به صورت کاملاً غیرملموس عملیاتی می‌گردند. در ذیل سه شیوه کلی از فشارهای ایالات متحده آمریکا بر ایران ارائه گردیده است.

۱. تحریم‌های مستقیم بخش‌های اقتصادی؛
۲. محدود سازی غیر مستقیم بخش‌های اقتصادی؛
۳. صدمه مستقیم، خرابکاری و هک زیرساخت‌های اقتصادی.

بدیهی است هر یک از الگوهای مداخله فوق مکانیزم اجرایی مشخص به خود رو داشته و اهداف و اثرات مورد انتظار مرتبط با خود را دارد که در این مقاله ابتدا به مکانیزم‌های اجرا پرداخته شده و سپس اثرات هر یک مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۶-۱- تحریم‌های مستقیم بخش‌های اقتصادی

مطابق تعریف مرکز مطالعات مک کنزی تحریم فعالیتی یا عملی است که به وسیله یک یا چند بازیگر بین‌المللی (مجری تحریم)، علیه یک یا چند کشور دیگر (هدف تحریم)، به منظور مجازات این کشورها، با اهداف محروم ساختن آنها از انجام برخی مبادلات یا وادار ساختن آنها به پذیرش هنجارهایی معین و مهم (از دید مجریان تحریم)، اعمال می‌شود (Subramanian, 2014 Mackenzy, 2004). برقراری یک تحریم سه رکن اساسی دارد:

تحریم کنندگان «مجری تحریم»: کشور (یا گروهی بین‌المللی) است که برقرار کننده تحریم باشد، هر چند ممکن است در اعمال تحریم‌ها بیش از یک کشور شرکت داشته باشد.

تحریم شونده: کشور یا کشورهایی است که هدف اصلی تحریم واقع می‌شوند و محدودیت‌ها در خصوص آنها اعمال می‌شود.

موضوع تحریم: تحریم‌های اقتصادی می‌تواند شامل اشکال مختلف موانع تجاری، تعرفه‌ها، محدودیت در معامله و... باشند (یاری، ۱۳۹۸: ۷۰).

پیشینه تاریخی اعمال تحریم علیه گروه‌ها و کشورها به گذشته‌های دور باز می‌گردد، نمونه‌های تاریخی در خصوص تحریم در تمامی سطوح وجود دارند، تحریم‌ها در قالب محاصره در طول جنگ جهانی اول برجسته بودند. لیکن به صورت قانون مند در چارچوب جامعه ملل شکل گرفتند؛ میثاق جامعه ملل استفاده از تحریم‌ها را در پنج مورد مجاز می‌دانست:

۱. وقتی ماده ۱۰ میثاق جامعه ملل نقض شود؛
۲. در صورت وقوع جنگ یا تهدید به جنگ (ماده ۱۱)؛
۳. هنگامی که یک عضو جامعه ملل حکم داوری را گردن نمی‌نهد (ماده ۱۲)؛
۴. وقتی یکی از اعضای جامعه ملل بدون ارائه اختلاف به جامعه ملل به جنگ می‌رود (ماده ۱۲-۱۵)؛
۵. هنگامی که یک غیر عضو به جنگ با یکی از اعضای جامعه ملل می‌رود (ماده ۱۷).

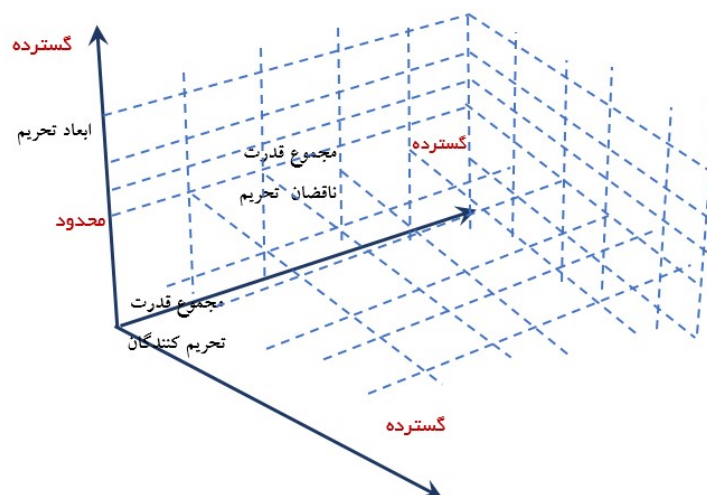
برای نمونه طی بحران حبشه، جامعه ملل در سال ۱۹۳۵ تحریم‌های اتحادیه علیه ایتالای موسولینی را اعمال نمود. با این حال، عرضه نفت متوقف نشد و کانال سوئز به روی ایتالیا بسته نشد و اشغال گری ایتالیا ادامه یافت. تحریم‌ها در سال ۱۹۳۶ برداشته شد و ایتالیا در سال ۱۹۳۷ جامعه ملل را ترک کرد (یاری، ۱۳۹۸: ۷۹).

شاید بتوان اینگونه بیان کرد که استفاده از تحریم‌ها به عنوان یک ابزار، پس از جنگ سرد به واسطه خروج از دنیای دو قطبی و همچنین اجتناب از دخالت نظامی گسترش یافته است به‌طور کلی در ادبیات سیاسی امروز تحریم‌های اقتصادی به عنوان جایگزینی برای جنگ به‌منظور دستیابی به نتایج مطلوب مورد استفاده قرار می‌گیرند.

جرمی گرینستاک دیپلمات بریتانیایی معتقد است تحریم‌ها محبوبند نه به دلیل اثرگذاری شان بلکه به این خاطر که «اگر می‌خواهید به یک حکومت فشار بیاورید بین سخن گفتن و اقدام نظامی چیز دیگری وجود ندارد» (ویکی‌بین، ۱۴۰۰).

تغییر رژیم غالب ترین هدف سیاست خارجی تحریم‌های اقتصادی است که بیش از ۳۹ درصد موارد اعمال آن‌ها را در بر می‌گیرد (Hufbauer, Schott, and Elliot, 2009: 7) بررسی‌های رابرت پیپ نشان می‌دهد تنها پنج مورد «موفقیت‌های تحریم‌ها جهت تغییر رژیم» قابل تأیید بود، که نرخ موفقیت را به ۴٪ کاهش می‌دهد. اما بدیهی است اعمال تحریم‌ها شاید خواسته نهایی تحریم‌کنندگان را برآورده ننماید و تاب آوری کشورها سبب گردد تغییر سیاسی عمده‌ای صورت نگیرد لیکن تحریم‌ها همواره اثرات و هزینه‌های خود را برجای خواهند گذاشت. برای نمونه بنا بر مطالعه‌ای از Matthias Neuenkirch و Florian Neumeier تحریم‌های اقتصادی آمریکا و سازمان ملل اثر بسیار معنی داری بر اقتصاد کشور هدف از طریق کاستن از رشد GDP به میزان بیش از ۲ درصد در سال داشت. این مطالعه همچنین نتیجه گرفت که اثرات منفی نوعاً بیش از ده سال باقی می‌مانند و منجر به یک کاهش کل ۲۵٫۵ درصدی در درآمد ملی می‌شوند (Peep, 2020: 45).

تحریم‌ها را می‌توان در یک فضای سه بعدی بررسی نمود که هر بعد در میزان تاثیر تحریم‌ها نقش ایفا می‌نمایند. گفتنی است، موارد اشاره شده در ذیل و تقسیم‌بندی صورت گرفته از یافته‌های پژوهشگران است.



شکل ۱۱. عناصر مهم در میزان تأثیرگذاری تحریم‌ها (منبع: نگارندگان)

الف) ابعاد تحریم: از لحاظ ابعاد یا حدود تحریم، سطوح مختلفی را می‌توان ارائه نمود که از اعمال برخی محدودیت‌ها در خصوص مباحثی همچون فناوری شروع می‌شود و تا سطوح کاملاً گسترده مانند آنچه در قبال دولت روسیه پس از حمله به اوکراین اتفاق افتاد را در بر می‌گیرد.

ب) مجموع قدرت تحریم کنندگان: اینکه مرجع تحریم چه قدرتی باشد و توان مجاب کردن چه حجمی از کشورها را داشته باشد بسیار تعیین کننده است. به طور معمول تحریم‌ها توسط قدرت‌های ذیل وضع می‌شوند.

- شورای امنیت سازمان ملل؛
- پیمان‌های بین‌المللی؛
- یک‌جانبه توسط یک کشور.

تحریم‌های شورای امنیت معمولاً زمانی وضع می‌گردد که اجماع جهانی در خصوص موضوعی وجود دارد، این تحریم‌ها معمولاً در خصوص بحران‌های بزرگ یا جهت کنترل گروه‌ها و یا حکومت‌هایی که نظم جهانی را به چالش می‌کشند به کار می‌رود. لذا می‌توان نتیجه گرفت که

دستگاه سیاست خارجی کشور هدف تحریم، به گونه‌ای ناکارآمد است که نظر هیچ یک از اعضای دارای حق و تو را جذب نموده است، بدیهی است که این تحریم‌ها با توجه به پشتیبانی همه قدرت‌های جهانی از آن، عملاً بسیار کارآمد و مشکل آفرین خواهند بود.

در سطحی پائین‌تر تحریم‌های وضع شده توسط پیمان‌های بین‌المللی مانند اتحادیه اروپا می‌توانند بسیار موثر باشند زیرا بخش بزرگی از جامعه جهانی که قدرت اقتصادی قابل توجهی دارند از آن حمایت می‌کنند.

بخش سوم تحریم‌های هستند که به واسطه تصمیمات یک کشور خاص، عمدتاً قدرت‌های جهانی یا منطقه‌ای علیه یک کشور دیگر وضع می‌شوند، این تحریم‌ها بعضاً با قوانین مجلس و یا حتی دستورات اجرایی دولتی قابل اجرا هستند؛ اثرگذاری این تحریم‌ها با توجه به قدرت و نفوذ کشور تحریم‌کننده و تصمیماتی که در قبال ناقضین تحریم اتخاذ می‌کند متفاوت خواهد بود، تا زمانی که تحریم به صورت یک جانبه و به صورت قطع ارتباط تجاری و عدم ارائه فناوری باشد هزینه‌های آن سنگین نیست ولیکن مادامی که این تحریم‌ها برای اشخاص، شرکت‌ها و یا کشورهای ثالث هزینه ایجاد نماید می‌تواند چالش برانگیز باشد. برای نمونه تحریم‌های آمریکا بر علیه ایران چون برای سایرین نیز جنبه تنبیهی دارد می‌تواند تعاملات اقتصادی ایران را دچار چالش نماید (یاری، ۱۳۹۸: ۷۶).

(ج) مجموع قدرت نقض‌کنندگان تحریم: تحریم‌های یک‌جانبه معمولاً بدون اجماع جهانی و بین‌المللی وضع می‌شوند لذا از پشتیبانی عموم کشورها برخوردار نیستند از این‌رو شکست و یا موفقیت آن‌ها به شدت تحت تاثیر اهمیت ذاتی و دیپلماسی کشور تحریم شده است، برای نمونه عدم توازن بین قدرت تحریم‌کنندگان و ناقضان تحریم در جریان تنش بین قطر و بدنه اصلی اتحادیه عرب در سال ۲۰۱۷ باعث شد قطر کمترین صدمات ممکن را متحمل شود و در نهایت نیز تحریم‌کنندگان در سال ۲۰۲۱ مجدداً به شرایط قبل بازگشتند (Siddell, 2021).

با نگاهی به تصویر سه بعدی اشاره شده در فوق متوجه این موضوع نمایان می‌شود که در طی ۲۰ سال گذشته شرایط تحریمی ایران بسیار سخت بوده است از سویی در مقاطعی اجماع جهانی در خصوص تحریم‌های ایران وجود داشته و از سوی دیگر تحریم‌های ایالات متحده بسیار سختگیرانه و شامل تنبیه ناقضان تحریم نیز بوده است.

۶-۱-۱- ابعاد و حجم تحریم‌های اعمال شده در خصوص ایران:

نخستین تحریم جامع سراسری علیه ایران در دوران معاصر، تحریم بریتانیا علیه ایران به منظور واکنش در برابر انتخاب دکتر محمد مصدق به وزارت بود که هدف ملی‌سازی صنعت نفت را دنبال می‌کرد. اولین قطعنامه شورای امنیت علیه ایران در زمان نخست‌وزیری محمد مصدق و به منزله واکنش علیه ملی شدن صنعت نفت ایران صادر شد (بیگدلی، ۱۳۸۳: ۱۱).

آمریکا نیز در سال ۱۹۸۰ تحریم‌های اقتصادی وسیعی را در واکنش به تصرف سفارت آمریکا در تهران علیه ایران وضع کرد. در سال ۱۹۹۵، بیل کلینتون رئیس‌جمهور وقت آمریکا اقدام به وضع تحریم‌هایی کرد که به موجب آن شرکت‌های نفتی آمریکایی از سرمایه‌گذاری در طرح‌های نفت و گاز ایران منع شده بودند؛ بر این اساس روابط بازرگانی با ایران نیز یک‌جانبه قطع گردید (منصوری، ۱۳۹۹). اما عمده تحریم‌ها بر علیه ایران تحریم‌هایی است که به بهانه جلوگیری از تولید سلاح هسته‌ای و برای توقف در پیشرفت برنامه اتمی ایران شکل گرفت که هدف اصلی این مقاله است.

تحریم‌ها بر علیه ایران در بازه‌های زمانی مختلف از ابعاد و مختلفی برخوردار بوده است؛ نهادهای پشتیبان تحریم‌ها نیز متفاوت بوده‌اند. در زمان تحریر این مقاله (ابتدای سال ۲۰۲۳) تحریم‌هایی که ایران با آن درگیر است را می‌توان مطابق جدول ذیل ارائه نمود.

جدول ۲. تحریم‌های هسته‌ای تحمیل شده علیه جمهوری اسلامی ایران

بخش‌های تحریمی	آمریکا	اتحادیه اروپا	شورای امنیت سازمان ملل متحد
صنایع موشکی/تسلیحات نظامی	تحریم است	تحریم است	تعلیق شده است
سپاه پاسداران انقلاب اسلامی	تحریم است	تحریم است	تعلیق شده است
فناوری هسته‌ای	تحریم است	تحریم است	تعلیق شده است
انرژی/صنعت نفت	تحریم است	تحریم است	تعلیق شده است
خدمات بانکداری	تحریم است	تحریم است	تعلیق شده است
بانک مرکزی	تحریم است	تحریم است	تعلیق شده است
صنایع کشتیرانی	تحریم است	تحریم است	تعلیق شده است
تجارت بین‌المللی	تحریم است	تحریم است	تعلیق شده است
صنعت بیمه	تحریم است	تحریم است	تعلیق شده است
معامله شرکت‌های خارجی با ایران	تحریم است		
فلزات و معادن ایران	تحریم است		

(کنگره آمریکا، ۲۰۲۴: ۳)

شورای امنیت سازمان ملل متحد بر اساس فصل ۷ «منشور ملل متحد» می‌تواند در وضعیتهای «تهدید صلح جهانی، تخطی از رویه‌های صلح یا اعمال خشونت و زور» در سطح جهان دست به اقدام بزند. طبق این بند می‌تواند مجازات‌هایی از قبیل قطع کامل یا جزئی روابط اقتصادی، ارتباطات زمینی، هوایی، دریایی، پستی، تلگرافی، بیسمی و دیگر وسایل ارتباطی و همچنین قطع روابط دیپلماتیک را در نظر بگیرد و تمام دولت‌های عضو سازمان ملل موظف‌اند آن‌ها را اجرا نمایند. چنانچه شورای امنیت تشخیص دهد که اقدامات پیش‌بینی شده در ماده ۴۱ (مجازات‌های دیپلماتیک و اقتصادی) در حد کافی نبوده می‌تواند از نیروهای نظامی، هوایی و دریایی یا هر وسیله دیگری استفاده نماید؛ بر اساس این بند شورای امنیت قطعنامه‌های متعددی بر علیه ایران تصویب کرد تحریم‌های وضع شده از سوی شورای امنیت سازمان ملل احتمالاً پرچالش‌ترین تحریم‌های ارائه شده بود که طی مذاکرات ۱+۵ و ایران برداشته شدند و شامل موارد ذیل بودند (Schot, 2021:190):

قطعنامه (۱۷۳۷): شورای امنیت در ۲۳ دسامبر ۲۰۰۶ برای وادار کردن جمهوری اسلامی ایران به پایان غنی‌سازی اورانیوم قطعنامه ۱۷۳۷ را به رای گذاشت که البته برخی از بندهای آن بر اثر فشار روسیه و چین تعدیل شد و در نهایت ۱۵ کشور عضو شورا به آن رای مثبت دادند.

قطعنامه تحریمی (۱۷۴۷): شورای امنیت سازمان ملل در ۲۴ مارس ۲۰۰۷ میلادی (۴ فروردین ۱۳۸۶) به اتفاق آرا (۱۵ عضو دائم و غیر دائم) قطعنامه ۱۷۴۷ را علیه ایران به تصویب رساند. در این قطعنامه از تمامی کشورهای جهان خواسته شده تا فعالیت خود با شرکت‌های ایرانی را که در زمینه انرژی هسته‌ای فعالیت دارند، محدود کنند. ممنوعیت صادرات و واردات سلاح‌های سنگین به ایران نیز از دیگر موارد صادره در این قطعنامه بود. همچنین شورای امنیت به جمهوری اسلامی ایران ۶۰ روز مهلت داد تا با تبعیت از این قطعنامه و درخواست‌های قطعنامه ۱۷۳۷ که پیش از آن تصویب شده بود، به فعالیت‌های «حساس اتمی» خود، از جمله غنی‌سازی اورانیوم پایان دهد.

قطعنامه تحریمی (۱۸۰۳): شورای امنیت سازمان ملل ۹ ماه بعد از صدور قطعنامه ۱۷۴۷ در تاریخ دوشنبه سوم مارس ۲۰۰۸ قطعنامه دیگری (۱۸۰۳) را با ۱۴ رای مثبت و رای ممتنع اندونزی علیه ایران صادر کرد. مفاد قطعنامه به شکل رسمی توسط فرانسه و بریتانیا پیشنهاد و همچون قطعنامه‌های قبلی بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد، ناظر به اقدام‌های لازم در ارتباط با تهدید صلح و امنیت جهانی تصویب شد.

قطعنامه تحریمی (۱۸۳۵): شورای امنیت در قطعنامه ۱۸۳۵ خود ضمن اشاره به گزارش جدید محمد البرادعی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که از عدم تعلیق غنی‌سازی اورانیوم ایران سخن گفته بود، از ایران خواست تا به صورت کامل و بدون هیچ تأخیری به قطعنامه‌های پیشین این شورا و نیز درخواست‌های شورای حکام آژانس در تعلیق برنامه هسته‌ای خود عمل کند. شورای امنیت ضمن تأکید مجدد بر قطعنامه‌های ۱۶۹۶، ۱۷۳۷، ۱۷۴۷ و ۱۸۰۳ که همگی آن‌ها تحت فصل هفتم منشور ملل متحد صادر شده و در آنها از ایران در خواست شده که فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم و پروژه آب سنگین را تعلیق کند، در قطعنامه جدید خود اشاره‌ای به تحریم‌های جدید علیه ایران نکرد.

قطعنامه تحریمی (۱۸۸۷): از دیگر قطعنامه‌هایی که شورای امنیت علیه ایران صادر کرد، قطعنامه ۱۸۸۷ بود که در تاریخ ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۹ تصویب شد این قطعنامه نیز با ۱۵ رای موافق مورد تصویب این شورا قرار گرفت که در این قطعنامه از ایران خواسته شده بود به قطعنامه‌های قبلی عمل کند.

قطعنامه تحریمی (۱۹۲۹): شورای امنیت سازمان ملل روز چهارشنبه ۹ ژوئن ۲۰۱۰ قطعنامه ۱۹۲۹ را علیه ایران صادر کرد که براساس آن تحریم‌ها علیه ایران فراگیرتر و شدیدتر شد. قطعنامه ۱۹۲۹ براساس سه قطعنامه صادر شده پیشین علیه جمهوری اسلامی تنظیم و در آن اقدامات دیگری برای تحریم ایران منظور شد. در این قطعنامه در عین حال گفته شده که اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل به گفت‌وگو برای رسیدن به یک راه‌حل مسالمت‌آمیز در برابر برنامه هسته‌ای ایران ادامه می‌دهند. شورای امنیت در این قطعنامه تأکید کرده که تحریم‌ها افراد حقیقی و حقوقی و شرکت‌هایی را هدف قرار می‌دهد که مسئول برنامه هسته‌ای ایران هستند.

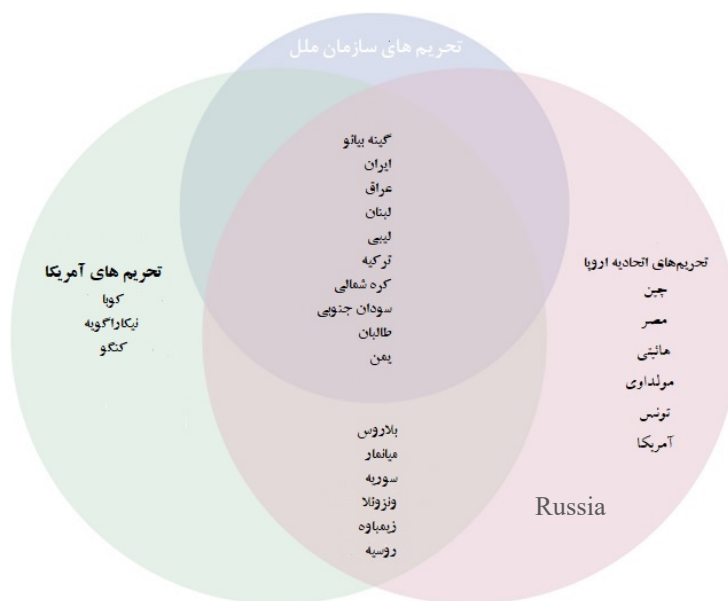
قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت و لغو قطعنامه‌های قبلی: پس از ۱۲ سال گفتگو در مورد فعالیت‌های هسته‌ای ایران با اعضای گروه ۵+۱ در تاریخ ۲۳ تیرماه ۱۳۹۴ توسط تیم مذاکره‌کننده از مسئولان وزارت خارجه به ریاست وزیر امور خارجه محمد جواد ظریف، کشور ایران موفق به توافق هسته‌ای با گروه ۵+۱ گردید. پس از آن این توافق در تاریخ ۲۹ تیرماه ۱۳۹۴ در شورای امنیت به رأی گذاشته شد که با تصویب آن در آن شورا تبدیل به قطعنامه ۲۲۳۱ گردید که همراه با تصویب آن هر شش قطعنامه پیشین که علیه ایران صادر شده و منجر به تحریم‌های وسیع در رابطه با موضوع هسته‌ای علیه این کشور شده بود را ملغی کرد.

خروج آمریکا از برجام: ۸ می ۲۰۱۸ دونالد ترامپ رسماً خروج آمریکا از برجام را امضا کرد. پس از آن، سناریوهای مختلفی در خصوص، اقدامات مشابه، مقابل به مثل ممکن و آینده توافق هسته‌ای مطرح شد.

مکانیسم ماشه: در نظریه بازی، استراتژی ماشه یکی از استراتژی‌های پرکاربرد در بازی‌های تکرارشونده است. بازیکنی که استراتژی ماشه را به کار می‌برد، در ابتدا همکاری می‌کند، اما به محض این که بازیکن دیگر استراتژی دیگری در پیش گرفت، بازیکنی که استراتژی ماشه را به کار بسته‌است، تا انتهای بازی روشی غیر از حالت اولیه در پیش می‌گیرد. از آن که کوچک‌ترین عدم همکاری از سوی بازیکن رقیب، موجب کنار گذاشتن همکاری تا ابد می‌شود (Slantchev, 2019: 28). در پروسه برجام مکانیسم ماشه^۱ فرآیندی است که اگر یکی از طرف‌های برجام به این جمع‌بندی برسد که طرف دیگر به تعهدات ذکر شده در این توافق پایبند نیست، می‌تواند به کمیسیون مشترک شکایت کند. این کمیسیون، در چارچوب برجام و با هدف نظارت بر اجرای آن تاسیس شده است. اگر در بازه زمانی ۳۵ روزه، موضوع شکایت آن‌گونه که شاکی می‌خواهد حل و بررسی نشود، شاکی می‌تواند موضوع حل نشده را به عنوان دلیلی برای توقف اجرای تعهدات برجام در نظر بگیرد. همچنین شاکی می‌تواند با آگاه‌سازی شورای امنیت سازمان ملل درباره حل نشدن موضوع شکایت، عدم اجرای چشمگیر آن را متضمن شود. پس از آن، شورای امنیت نیز ۳۰ روز فرصت دارد تا درباره استمرار تعلیق تحریم‌ها یا بازگرداندن آن‌ها قطعنامه صادر کند. اگر در این مدت، شورای امنیت نتواند در این خصوص قطعنامه صادر کند، تمام تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل که قبل از برجام برقرار شده بودند، به طور اتوماتیک باز می‌گردند. به این سازوکار، مکانیسم ماشه یا بازگشت سریع تحریم‌ها هم می‌گویند. نکته مهم این سازوکار، این است که بازگشت تحریم‌ها، قابل و تو نیست بلکه «عدم بازگشت تحریم‌ها» قابلیت و تو دارد. یعنی رأی گیری برای «بازگشت تحریم‌ها» انجام نمی‌شود بلکه برای «ادامه تعلیق تحریم‌ها» انجام می‌شود که حتی اگر شورا به آن رای ندهد، یک عضو دارای حق و تو می‌تواند رای را و تو کرده و عملاً تحریم‌ها بازگردند (Rome, 2022). در واقع ایران با ۴۱۹۱ مورد تحریم، عملاً با بزرگ‌ترین حجم تهدیدهای تحریمی در طول تاریخ روبرو است (Schot, 2021:191).

۶-۱-۲- مجموع قدرت تحریم کنندگان ایران

سطح قدرت و نفوذ تحریم کنندگان ایران در بازه‌های زمانی مختلف متفاوت بوده است در برخی مقاطع تقریباً اجماع جهانی علیه ایران شکل گرفته است که به‌طور واضحی تغییر رفتار ایران و پیگیری مذاکرات را در پی داشته است ولیکن در بازه‌های زمانی دیگر، رفتار منطقی در عرصه سیاست بین‌الملل و عدم درک شرایط جهان توسط برخی از کشورهای مقابل سبب گردید ایران از انزوای بین‌المللی تا حدی خارج شود و اجماع جهانی سال‌های نخست دهه نود شمسی دیگر برقرار نباشد. اما نمی‌توان فراموش کرد که در یک سناریوی حداکثری احتمال هر موضع‌گیری از سوی جامعه بین‌الملل امکان‌پذیر است؛ تصویر ذیل نشان می‌دهد ایران جزو کشورهایی بوده که مورد تحریم بزرگ‌ترین نهادهای قدرت قرار گرفته است.



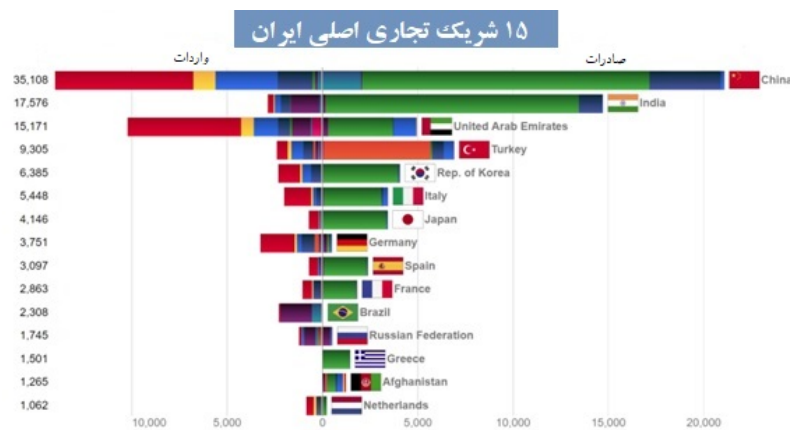
شکل ۱۲. کشورها و تحریم‌های نهادی (PBS, 2019)

در شرایط کنونی علی‌رغم عدم وجود اجماع جهانی، باز هم به نظر می‌رسد **دامنه حمایت از تحریم‌های ایران** از نظر وضع کنندگان آن قابل قبول است و به نظر می‌رسد با توجه به تغییر شرایط بین‌الملل و قرار گرفتن در دوران گذار، توسعه روابط همسایگی و همچنین قدرت نمایی

ایران در میدان و خارج شدن از حالت انفعال، واضعان تحریم علاقه چندانی به تشدید فشارها نداشته باشند تا راه‌های گفتگو بسته نشود.

۶-۱-۳- مجموع قدرت ناقضان تحریم‌های اعمال شده در خصوص ایران

تحریم‌های ارائه شده از سوی سازمان ملل متحد عملاً نمی‌تواند نقض کننده جدی داشته باشد. لذا به این دلیل می‌تواند مشکل آفرین نیز باشد اما تحریم‌های ارائه شده از سوی اتحادیه اروپا و ایالات متحده بعضاً توسط برخی متحدان سنتی ایران نادیده گرفته شده است، برخی متحدان نزدیک دو کشور ایران و آمریکا نیز بعضاً با مذاکره موفق به اخذ معافیت‌هایی از سوی آمریکا شده‌اند که شاید مهم‌ترین آن‌ها عراق باشد. برای درک مهم‌ترین حامیان اصلی ایران باید به روابط تجاری آن‌ها با ایران توجه نمود. مهم‌ترین شرکای تجاری ایران عبارت‌اند از چین، هند، امارات متحده عربی و ترکیه.



شکل ۱۵:۱۳ شرکای اصلی تجاری ایران (OECD, 2018)

نمودار فوق نشان می‌دهد چین بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران است اما نگاهی به وضعیت این کشور بیانگر این است که حجم تجارت ایران با چین به‌عنوان بزرگ‌ترین ناقض تحریم‌های آمریکا عملاً در تجارت جهانی چین قابل توجه نیست به گونه‌ای که حجم تجارت ایران و چین در برخی از سال‌های تحریمی گذشته حتی با تجارت این کشور با ترکمنستان برابر بوده است، البته هرچند این ارقام در دو سال گذشته کمی بهبود داشته است (OECD, 2018).

همچنین پایگاه اطلاع‌رسانی دولت می‌نویسد، طبق آمار منتشر شده از گمرک، از مجموع تجارت خارجی کشور در ۱۱ ماهه سال جاری، ۱۳۶ میلیون تن کالا به ارزش ۸۸ میلیارد دلار مبادلات تجاری کشورمان با ۱۰ شریک تجاری ایران بوده است. چین، امارات، ترکیه، عراق، هند، پاکستان، روسیه، عمان، آلمان و افغانستان به عنوان مهم‌ترین شرکای تجاری ایران محسوب می‌شوند که ۸۴ درصد از ارزش کل مبادلات را تشکیل می‌شوند و ۱۶ درصد دیگر نیز مربوط سایر کشورها است. در این بین ۶ شریک تجاری ایران یعنی چین، افغانستان، روسیه، امارات، پاکستان و عمان در ۱۱ ماهه امسال به لحاظ وزن و حجم افزایش مبادلات را با ایران داشته‌اند (پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، ۱۴۰۲).

نتیجه‌گیری

در گزارش حاضر با استفاده از چارچوب بابوک یا بدنه دانش تحلیل کسب و کار، که یک ابزار تحلیل در حوزه کسب و کار شرکت‌ها و سازمان است، نسبت به تحلیل همه جانبه الگوهای مداخله آمریکا در بخش‌های اقتصادی ایران اقدام شد. در این مکانیزم با استفاده از ابزارهای ارائه شده در این چارچوب احتمالات ممکن در خصوص تهدید اقتصاد ایران از سوی آمریکا بررسی، و کشورهایی که در طول سالیان گذشته با این مکانیزم درگیر بوده‌اند بررسی می‌شود. واقعیت آن است که توسعه توان نظامی ایران در کنار راهبرد نگاه به شرق، هزینه‌های درگیری نظامی را برای آمریکا و کشورهای غربی تا حدی بالا برده است که این امر استفاده از مکانیزم‌های ثانویه به ویژه در بخش اقتصادی را برای آن اجتناب‌ناپذیر نموده است.

ادبیات موجود درباره سیاست خارجی و مداخله می‌تواند چند حوزه مطالعاتی را دربر بگیرد و چند رهیافت مختلف درباره مناظره پیرامون چرایی، چگونگی، کجایی و چه زمانی مداخله را به تصویر بکشد. مداخله‌های ایالات متحده آمریکا در تغییر نظام‌های سایر کشورها، شامل تلاش‌های علنی و مخفیانه با هدف تغییر، جایگزینی یا حفظ دولت‌های خارجی می‌شود. این تلاش‌ها، طیف گسترده و متنوعی از اقدامات، شامل حمایت از گروه‌های مخالف دولت مرکزی، تحریم‌های اقتصادی، اقدام در چارچوب شورای امنیت، حمایت از کودتاها، جاسوسی، و در نهایت مداخله مستقیم نظامی و... بوده است. فشارهای وارده از سوی ایالات متحده بر ایران در محدوده مشخصی متمرکز ندارد، عملاً این کشور در تمامی ابعاد ممکن در یک جنگ ترکیبی تمام‌عیار بر ایران فشار

وارد می‌نماید، شاید اولین موضوعی که ایالات متحده آمریکا در خصوص ایران بر آن تمرکز نمود، توان دفاعی ایران بود، این موضوع از همان روزهای نخست و با تحریم تسلیحاتی ایران حتی با وجود قراردادهای منعقد شده قبلی انجام گردید که در زمان جنگ محدودیت‌های گسترده‌ای بر صنایع دفاعی ایران که ساختاری غربی داشت وارد نمود هرچند در این بین مواردی از جمله ایران کنتررا را می‌توان استثنا نمود، این تحریم‌ها بیشترین تاثیر ممکن را بر نوسازی ناوگان هواپیماهای نظامی ارتش جمهوری اسلامی ایران برجای گذاشته است.

فرآیند این مداخلات پس از جنگ دوم جهانی و قرار گرفتن ایالات متحده به‌عنوان یکی از قطب‌های جهان در رقابت با شوروی به اوج رسید و پس از فروپاشی شوروی، در سطوح جدیدی در راستای تثبیت هژمونی آمریکا نمایان شد. اما در این مقاله آنچه که مورد توجه است اقتصاد است زیرا به نظر می‌رسد مباحث اقتصادی اصلی ترین فاکتورهای بکارگرفته شده در جنگ ترکیبی آمریکا علیه ایران است، فشارهای اقتصادی با هدف نهایی تغییر رفتار ایران ایجاد می‌شوند، فشارهایی که در نهایت شاخص‌های کلان اقتصادی را تحت تاثیر قرار می‌دهند.

هدف از این مقاله، بررسی بعد اقتصادی اقدامات مداخله‌جویانه ایالات متحده در ایران بوده است. نویسندگان نتیجه گیری می‌کنند که در مدل‌های مداخله اقتصادی ایالات متحده، ترکیب سه عامل اصلی اثر گذار بر کشور تحریم شده یعنی، ابعاد تحریم، قدرت نهادهای تحریم کننده و قدرت ناقضان تحریم به گونه‌ای ترکیب شده‌اند که می‌توانند اثرات مخرب بسیاری بر اقتصاد کشور هدف بگذارند. در این راستا مقاله برای قابل با تهدیداتی که با استفاده از ساز و کار بابوک ممکن است ایجاد شود، به تصمیم‌سازان پیشنهاد می‌کند این موارد را در دستور کار قرار دهند:

تنوع‌بخشی به اقتصاد: توسعه بخش‌های مختلف اقتصادی، وابستگی به صادرات محدود را کاهش می‌دهد.

تقویت تولید داخلی: تمرکز بر تولیدات محلی و داخلی، وابستگی به کالاهای وارداتی را کاهش می‌دهد.

تقویت روابط دیپلماتیک: ایجاد ائتلاف‌ها و توافقات تجاری با کشورهای غیر تحریم کننده، به ثبات اقتصادی کمک می‌کند.

سرمایه‌گذاری در پژوهش و نوآوری: ترویج پیشرفت‌های تکنولوژیکی، مزیت‌های رقابتی در بازارهای جهانی را تقویت می‌کند.

سازگاری‌های مالی و بانکی: ایجاد سازوکارهای مالی جایگزین و بومی، معاملات خارج از کانال‌های تحریمی را تسهیل می‌کند.

فهرست منابع

- امینی، علیرضا. (۱۳۹۴). تحلیل بازار کار و سیاست های اشتغال زایی اقتصاد ایران با تأکید بر برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. *مجله اقتصادی*، ۱۵(۵)، ۴۰-۲۳.
- بیگدلی، علی. (۱۳۸۳). نفت و کودتا. *نشریه زمانه*، شماره ۳۰
- پایگاه اطلاع رسانی دولت. (۱۴۰۲). ۸۸ میلیارد دلار معاملات تجاری ایران، ۱۰ شریک تجاری. قابل بازیابی در پیوند زیر: <https://dolat.ir/detail/440017>
- فرهادی، کاوه؛ سخدری، کمال و عزیزی، محمد. (۱۴۰۲). چارچوب مفهومی پیشرفت فرایند ایجاد کسب و کار جدید مبتنی بر ویژگی های تیم مؤسس. *برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۱۴(۵۶)، ۱۱۵-۱۷۱.
- منصوری، جواد. (۱۳۹۹). فهرست ناکامی های امریکا بعد از تسخیر لانه جاسوسی. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، قابل بازیابی در پیوند زیر: <https://irdc.ir/fa/news/6343>
- مهربانی، فاطمه؛ عبدالمهی، فرشته و بصیرت، مهدی. (۱۳۹۵). اثر فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی ایران، کشورهای MENA و OECD با استفاده از روش گشتاور تعمیم یافته. *سیاست های راهبردی و کلان*، ۴(۱۳)، ۶۵-۹۶.
- ویکی بین. (۱۴۰۰). تحریم اقتصادی. قابل دسترسی در: <https://wikibin.ir/article/wp/%D8%AA%D8%AD%D8%B1%DB%8C%D9%85%E2%80%8C%D9%87%D8%A7%DB%8C%D8%A7%D9%82%D8%AA%D8%B5%D8%A7%D8%AF%DB%8C>
- یاری، احسان؛ رضایی، دانش و غلامی، محمدحسن. (۱۳۹۸). گونه شناسی تحریم های بین المللی اعمال شده علیه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۵-۱۳۵۸). *مجلس و راهبرد*، ۲۶(۹۹)، ۶۳-۹۸.
- Abbasi Ashlaqi, M. (2008). humanitarian intervention and the principle of non-intervention. *Political-Economic Information*, No. 169-170. (In Persian)
- Akhtar, S., Shahid, M., Khalid, M. (2003). US Policy of Intervention: A Critical Analysis. *India Quarterly*, 93-120.
- Ambrose, S. (1983). The process of dominance in the history of American foreign policy, translated by: Ahmad Tabandeh, p. 174.
- Armstrong, Charles K. (2020). Studies of the Weather head East Asian Institute, Columbia University: Tyranny of the Weak: North Korea and the World, 1950-1992- Cornell University Press.
- BABOK. (2015). a guide to business analysis bidy of knowlege, 2005, 2006, 2008, 2009, 2015 International Institute of Business Analysis, Toronto, Ontario, Canada.
- Bumba1, A., Manuel, G. (2023). KPI tree: a hierarchical relationship structure of key performance indicators for value streams. *PRODUCTION ENGINEERING ARCHIVES*, 29(2), 175-185
- Choi, S.-W., James, P. (2014). Why Does the United States Intervene Abroad? Democracy, Human Rights Violations, and Terrorism. *Journal of Conflict Resolution*, 60(5), 899-926
- Ebrahimi, N. (2007). Evolution of the concept of humanitarian intervention in international relations. *Strategic Studies Quarterly*, 10(4), 807-830.

- Gary Hufbauer (2009). Jeffrey Schott and Kimberly Elliott, Economic Sanctions Reconsidered, 3rd Edition, Econ .
- Hecker, S.S. (2017). What We Really Know about North Korea's Nuclear Weapons, Foreign Affairs, December 4, Available at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/north-korea/2017-12-04/whatwereally-know-about-north-koreas-nuclear-weapons?cid=intlea&pgtype=hpg>
- https://mapsontheweb.zoom-maps.com/post/167271795780/all-countries-invaded-by-the-us#google_vignette
- Islamic Revolution Document Center. (1999). Archive
- Keohane, R. (2011). When Should the US Intervene? Criteria for Military Intervention in Weak Countries. *Cornell International Affairs Review*, 5(1). 1-30.
- Mackenzey S. (2004). Power and Diplomacy: An Address by Secretary Shultz to the Veterans of Foreign Wars. Chicago ,August 20 .US Department of State Bureau of Public Affairs . Current Policy no. 606.
- Maps on the web. (2017). all countries invaded by the United State, Available at: Medium. (2020). US Foreign Relations, Available at: <https://medium.com/iwishcognitivedissonance/friends-of-usa-a-map-of-us-foreign-relations-14c1ef09>
- Miller, J. (1997). Superpower Responsibility and new edge, *International Journal of China Studies* Vol. 12, No. 1, June 1997, pp. 47-64
- OEC Institue. (2018). profile country, Available at: <https://oec.world/en/profile/country/irn>
- PBS, what are economic sanctions 2019, Available at: <https://www.pbs.org/newshour/world/what-are-economic-sanctions>
- Peep, R.L., Portela, C. (2020). Evaluating the success of international sanctions: a new research agenda. *Revista CIDOB d'Afers Internacionals*, issue 125 (September 2020), pp. 39-60.
- Pourshasab, A.A., Motaghi, I., and Asadi, T. (2024). The role of the United States of America in the beginning, continuation, and end of the war of the Baath regime of Iraq against the Islamic Republic of Iran. (In Persian)
- report card for Iranian foreign relations, washington post, May. (2020). Available at: <https://www.washingtonpost.com/news/worldviews/wp/2020/10/25/a-visual-report-card-for-Iranian-foreign-relations-in-2020-it-looks-pretty-bad>
- report card for Japan foreign relations, washington post, May. (2020). Available at: <https://www.washingtonpost.com/news/worldviews/wp/2020/10/25/a-visual-report-card-for-american-foreign-relations-in-2020-it-looks-pretty-bad/>
- report for Saudi Arabia foreign relations, washington post, May. (2020). Available at: <https://www.washingtonpost.com/news/worldviews/wp/2020/10/25/a-visual-report-card-for-american-foreign-relations-in-2020-it-looks-pretty-bad>
- Riyazi, V., Akbari, A., Bajlani, S., Akbari, H.R. (2021). Introduction of the Components and Tools of the US Hybrid War against the I.R. of Iran. *Defence Studies*, 19(1), 37-67.
- Rome Henry. (2022). Snapback Sanctions on Iran: More Bark Than Bite?. Institute for Near East Policy, October 25, 2022
- Sazmand, B., Narimani, G. (2013). China; Becoming a superpower and its challenges. *Political Studies Quarterly*, Year 7, Number 25, Summer 2013, pp. 1-27.
- Schot J.J. (2021). Economic Sanctions Against Iran: Is the Third Decade a Charm?. *Business Economics*, 47(3), 190-192.

- Siddell, I. (2021). Lifting of restrictions with Qatar – what you need to know, Global Sanctions and Export Controls Blog, Available at: <https://sanctionsnews.bakermckenzie.com/lifting-of-restrictions-with-qatar-what-you-need-to-know/>
- Slantchev, B. (2019). Game Theory: Repeated Games, Department of Political Science. *University of California San Diego*, March 7, 2004, pp:28
- Subramanian, A., Shang-Jin, W. (2014). The WTO Promotes Trade, Strongly but Unevenly. National Bureau Of Economic Research 1050 Massachusetts Avenue Cambridge, MA 02138 October 2014.
- US Congress report on Iran sanctions, Updated August 7, 2024
- Vettner, T. (2021). between War and Peace', in Mitt Regan, and Aurel Sari (eds), Hybrid Threats and Grey Zone Conflict: The Challenge to Liberal Democracies, Ethics, National Security, and the Rule of Law
- Walker, T.C. (2009). Liberal Internationalism and Intervention: An Early Transatlantic Dialogue between Thomas Paine and Immanuel Kant. Retrieved June 3, 2022, from https://www.gvsu.edu/cms4/asset/54A33349-DDB5-9122-52D039391EF8BB6C/liberal_intervention_10.pdf.